

نویسنده: کامیار میررضوی

بزرگواران و استادان

جداول: مخاطرات و داده‌ها
در اولین سالهای فعالیت حرفه‌ای

مسئولیت‌های سربو پرست
تکات و گذاری پروژه اشتغال مهندسی

تکات و گذاری مدرک تحصیلی برای رتبه بندی

بر اساس پژوهش‌های
استاد ارجمند مهندس کامیار میررضوی
(با تصحیح علمی ایشان)

مؤلف: مهندس ابوالفضل مشایخی

شمار قابل توجه‌ای از مهندسان در همان سال‌های اول فعالیت حرفه‌ای زمینگیر می‌شوند. به بیان واضح‌تر فضای کسب‌وکار و حرفه مهندسی در کشور، به گونه‌ای ناامن است که تعداد زیادی از مهندسان در اولین سال‌های فعالیت حرفه‌ای، هر یک به گونه‌ای دچار آسیب، محکومیت و یا زیانهای سنگین مالی می‌شوند. ناامنی فضای کار در عرصه ساخت‌وساز و صنعت احداث، زاینده عوامل مختلف و متنوعی است. پژوهش‌هایی که منجر به پدید آمدن این مجموعه مجلدات گردید، بخش بزرگی از این مشکلات و آسیب‌های وارده به مهندسان و فعالان ساخت‌وساز را مورد مطالعه قرار داده است. بازخوانی دقیق پرونده‌های محکومیت‌ها و آسیب‌های وارده به مهندسان و فعالان عرصه ساخت‌وساز، واقعیتی مهم و جالب توجه را آشکار کرد. آن واقعیت این است که علی‌رغم تمامی ریسکها و ناامنی‌های عرصه ساخت‌وساز، یک راهکار اساسی وجود دارد که می‌تواند مهندسان و فعالان این عرصه را تا حد زیادی در برابر خطرات، ریسکها و ناامنی‌ها، مصون نماید. این راهکار اساسی و البته زمانبر، **آموزش دانش حقوقی مرتبط با حرفه**، به مهندسان و فعالان این عرصه است.

به طور کلی صنعت احداث و حوزه ساخت‌وساز در تمامی کشورهای دنیا کاری پرریسک و مخاطره‌آمیز است. زیرا سرمایه‌های سنگین و هنگفتی در هر پروژه به گردش در می‌آید و مهندسان به عنوان مسئولین اصلی و راهبران این پروژه‌ها همواره در مضان اصلی مسئولیت و پاسخگویی هستند. لکن تفاوت اصلی و مهمی که بین فضای کسب و کار مهندسی در کشور ما، با کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو وجود دارد، این است که در آن کشورها به هر مهندس قبل از ورود به عرصه پرمسئولیت و خشن حرفه‌ای، آموزشهای حقوقی لازم داده می‌شود و آن مهندس، مجهز به اسلحه دانش حقوقی، وارد این عرصه پرخطر می‌گردد. در کشور ما، اما مهندسان پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، بی‌سلاح و بی‌لباس، به طور ناگهانی با حداقل آگاهی، به این عرصه پرخطر روانه می‌شوند. در چنین شرایطی، طبیعی خواهد بود که بسیاری از مهندسان به قید قرعه تقدیر، یا به حسب طالع و بخت، هر یک به نحوی به تیر غیب گرفتار شوند و قربانی عدم آموزش و ناآگاهی

۱ عبارات و جملاتی که در متن کتاب بولد (پررنگتر) شده اند، همگی به دستور و با تأکید استاد گرامی جناب مهندس کامیار میررضوی و برای جلب توجه بیشتر مخاطب به اهمیت آن عبارت یا جمله، انجام شده است.

خود گردند. پژوهش‌های وسیعی که به همت استاد ارجمند مهندس کامیار میررضوی، طی ۱۵ سال اخیر در حوزه آسیب‌های وارده به مهندسان فعال در عرصه‌های مختلف صنعت احداث، به انجام رسیده، گنجینه‌ای ارزشمند، برای رفع این نقیصه بزرگ است. در این مجموعه، تلاش شده است تا با تکیه بر این پژوهش‌های ذی‌قیمت، مهمترین و ضروری‌ترین نکات حقوقی در عرصه مهندسی و ساخت‌وساز که می‌تواند نجاتبخش فعالان این عرصه باشد، در روانترین و موجزترین شکل، جمع‌آوری و ارائه گردد. متأسفانه در موضوعی با این اهمیت، یعنی آموزش مباحث حقوقی مرتبط با حرفه، به مهندسان، هیچگونه آموزش اجباری، نه در دانشگاه و نه در سازمان‌های صنفی و حرفه‌ای وجود ندارد. به همین جهت، به مهندسان و مخاطبان گرامی، توصیه می‌گردد این مطالب را با دقت نظر ویژه‌ای مطالعه نمایند و در فعالیت حرفه‌ای خود به کار بندند تا گرفتار آسیب‌های این حرفه نشوند. همچنین به دلیل عدم بذل توجه لازم از سوی مسئولان و سیاستگذاران این عرصه، به لزوم آموزش عمومی این مباحث، لازم است تا مهندسان، خود اشاعه‌گر چنین آگاهی‌هایی باشند و در حد توان، همکاران خود را در این زمینه آگاه سازند و آنها را ترغیب به مطالعه مباحث حقوقی و بازخوانی پرونده‌های محکومیت‌ها و آسیب‌های وارده به مهندسان قربانی بنمایند. شاکله اصلی مطالب این مجموعه را بازخوانی پرونده‌های محکومیت‌ها و آسیب‌های وارده به مهندسان فعال در حرفه، تشکیل می‌دهد. همچنین در حواشی بازخوانی پرونده‌ها نکات و راهکارهای پیشنهادی برای اجتناب از گرفتاری در شرایط مشابه آن پرونده، ارائه می‌گردد. این مجلد به عنوان اولین جلد از این مجموعه، به عمومی‌ترین نکات و شایع‌ترین پرونده‌های گرفتاری و محکومیت مهندسان در اولین سال‌های فعالیت در حرفه، می‌پردازد. در مجلدات بعدی، عرصه‌های مختلف صنعت احداث، به صورت تخصصی‌تر و با جزئیات دقیق‌تر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در پایان لازم است از استاد گرامی‌ام جناب مهندس کامیار میررضوی کمال تشکر و قدردانی را به جا آورم، چرا که ایشان صرفاً به جهت احساس مسئولیت صنفی و حرفه‌ای، علاوه بر وقت و توان عظیمی که برای انجام این پژوهش‌ها صرف نمودند، در زمان نگارش و تصحیح این مجموعه نیز در کمال سخاوت و حوصله، بی‌هیچ چشم‌داشت مادی، این حقیر را یاری کردند. امیدوارم جامعه مهندسی نیز قدردان این سخاوت و پایمردی باشد.

ابوالفضل مشایخی

بهمن ماه ۱۴۰۱

دیباچه به قلم استاد میررضوی

سال‌های سال شاهد مراجعهٔ مهندسان جوانی بوده‌ام که در اولین سال‌های ورود به حرفهٔ مهندسی، گرفتار پرونده‌های قضائی و محکومیت‌های دامنه‌داری می‌شوند که چندین سال، آنها را از زندگی معمول و فعالیت حرفه‌ای مفید، باز می‌دارد. این موضوع باعث تأسف و تأثری عمیق در جان من می‌شود که می‌بینم سرمایه‌های انسانی با ارزش کشورم این طور تلف می‌شوند و نیروی جوانی و فعالیت آنها به جای استفاده در مسیر اعتلا و شکوفائی کشور، باید در مسیری فرعی و در درگیری با پرونده‌های قضائی و محکومیت‌های ناخواسته تباه شود. چه بسا این محکومیت‌ها سال‌های سال و بعضاً دهها سال، مهندسان بی‌گناه را به خود مشغول و آنها را از کار و زندگی و خدمت به جامعه، باز داشته‌اند. در بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که از سالها پیش در این زمینه به آن مشغول بوده‌ام، به وضوح بر من آشکار شده است که تنها علت این همه گرفتاری و دردسر برای مهندسان، ناآگاهی و عدم اطلاع کافی نسبت به نکات حقوقی مرتبط با حرفهٔ مهندسی است.

فراهم آمدن این مجموعه کتب، بر اساس پژوهش‌های من در طی حداقل ۱۵ سال اخیر، به نظر من می‌رسد گام بزرگی در جهت آگاه‌سازی و ارتقای دانش حقوقی مهندسان در تمامی زمینه‌های فعالیت مهندسی در کشور خواهد بود. این کار طاقت‌فرسا، به ابتکار و پیشنهاد همکار با استعداد و خلاق، مهندس ابوالفضل مشایخی، آغاز گردید و امیدوارم در آینده‌ای نه چندان دور به نتیجه برسد. در جلد اول از این مجموعهٔ چند جلدی، سه موضوع اصلی که برای مهندسان تازه‌کار، ایجاد گرفتاری می‌کند، مورد شرح و تحلیل قرار گرفته است. مسئولیت‌های مهندسان سرپرست کارگاه در قبال خسارات جانی ناشی از حوادث و انواع محکومیت‌های مالی ایشان، اولین موضوع مهم این کتاب است که با توجه به پرونده‌های متعدد موجود، به طور کامل به آن پرداخته شد. دو موضوع بعدی مربوط به قراردادهای واگذاری مدرک تحصیلی و واگذاری پروانه اشتغال مهندسی است که متأسفانه در سال‌های اخیر پرونده‌های پرشماری بوجود آورده‌اند و معضلات کمرشکنی برای مهندسان ایجاد کرده‌اند. در این کتاب به این دو موضوع مهم نیز در حد کمال پرداخته شده است و به جرأت می‌توانم بگویم در این دو زمینه، بجز کتاب حاضر، هیچ منبع مکتوب دیگری در کشور وجود ندارد.

امیدوارم مهندسان گرامی خصوصاً مهندسانی که در ابتدای راه فعالیت حرفه‌ای هستند، با مطالعه این کتاب و به کارگیری دقیق نکات و آموزه‌های آن، نسبت به این مخاطرات و محکومیت‌ها مصون شوند و دیگر شاهد گرفتاری مهندسان گرامی که سرمایه‌های انسانی با ارزش کشور هستند نباشم.

کامیار میررضوی

اسفند ماه ۱۴۰۱

bardis-elm.ir

فهرست مطالب

- بخش ۱: تیر غیب ۹
- بخش ۲: خسارات جانی و مسئولیت سرپرست کارگاه در قبال حوادث ۱۷
- پرونده اول: سرپرست کارگاه ناکام ۲۱
- پرونده دوم: سقوط جوشکار از ارتفاع و محکومیت سرپرست کارگاه مُستغفی ۴۱
- پرونده سوم: سرپرست کارگاه باتجربه و خطای منجر به واژگون شدن جرثقیل ۵۱
- بخش ۳: تخلفات مالی و مسئولیت‌های مالی سرپرست کارگاه ۶۱
- پرونده چهارم: مجازات برای سرپرست کارگاه مطیع ۶۵
- پرونده پنجم: محکومیت سرپرست کارگاه حاذق، به دلیل انجام وظیفه بیش از اندازه ۷۱
- بخش ۴: قرارداد واگذاری مدرک تحصیلی (رتبه‌بندی) ۸۷
- پرونده ششم: بدهی ۷۰۰ میلیونی برای قرارداد ۲ میلیونی ۹۳
- پرونده هفتم: باختن پژو ۲۰۶ در برابر یک میلیون و چهارصد هزار تومان ۱۰۴
- پرونده هشتم: کورسوی امید برای مهندسی که از زندگی ساقط شد ۱۱۸
- بخش ۵: قرارداد واگذاری پروانه اشتغال مهندسی ۱۳۵
- شباهتها و تفاوت‌های واگذاری پروانه اشتغال و واگذاری مدرک تحصیلی ۱۳۹
- سازوکار نظام مهندسی و اعضای حقیقی و حقوقی آن ۱۴۷
- میزان مسئولیت و مدیریت ریسک در قرارداد واگذاری پروانه اشتغال ۱۵۰
- نکات مهم در قرارداد واگذاری پروانه اشتغال ۱۶۰
- شرح دو موضوع «مالیات» و «ظرفیت» در قراردادهای واگذاری پروانه اشتغال ۱۶۸
- پرونده نهم: بازداشت خانم مهندس و بیتابی نوزاد ۸ ماهه او ۱۷۳
- پرونده دهم: ریزش گود، فوت دو جوان و محکومیت مدیرعامل شرکت ناظر ۱۸۳
- پرونده یازدهم: ریزش گود، مرگ ۶ کارگر و محکومیت تمامی اعضای هیئت مدیره ۱۸۷
- پرونده دوازدهم: محکومیت انتظامی مدیرعامل و خسارت مالی سنگین به شرکت ۱۹۱
- منابع ۱۹۹

بخش ۱

تیرِ غیب

bard

در فرهنگ ضرب‌المثله‌ها و اصطلاحات زبان شیرین فارسی، اصطلاحی وجود دارد که مطابقت تام و تمامی با وضعیت جاری حرفه مهندسی در ایران دارد. «به تیرِ غیب گرفتار شدن». معنی این اصطلاح کاملاً واضح و قابل درک است، اما ربط آن و مطابقت این معنی با وضعیت حرفه مهندسی در کشور ایران، ممکن است کمی نامفهوم و سؤال‌انگیز باشد. البته با توضیحاتی که در ادامه ارائه خواهد شد، این ابهام به طور کامل برطرف می‌گردد.

قبل از شرح ربط این اصطلاح با حرفه مهندسی، خوب است محیط کسب و کار مهندسی با نگاهی دقیق مورد واکاوی و شرح قرار گیرد، تا پس از آن، ارتباط «تیرِ غیب» با حرفه مهندسی و میزان اهمیت و خطر آن برای مهندسان، به شایستگی آشکار گردد. حرفه مهندسی در کشور، همواره تابعی ست از اقتصاد کلان، چرا که دولت به عنوان بزرگترین کارفرمای پروژه‌های عمرانی و ساختمانی و همچنین تنها سیاست‌گذار در حوزه مسکن و ساختمان، طی چند دهه گذشته، همواره سکان اقتصاد کلان کشور را نیز در دست داشته است و بسته به وضع اقتصادی و درآمدی خود، ساخت‌وساز و به طور کل صنعت احداث را تحت تأثیر قرار داده است. از طرفی وابستگی تام دولت به درآمدهای نفتی که خود تابعی از تلاطمات بازار جهانی نفت است، این تلاطمات را عیناً به صنعت احداث و ساخت‌وساز کشور، منتقل می‌نماید. به عنوان مثالی

ملموس اگر یک شرکت ساختمانی بزرگ که قرارداد احداث یک پروژه راهسازی را با یک سازمان دولتی منعقد کرده است، بخواهد یک صورت وضعیت به کارفرمای دولتی ارائه نماید و مبلغ آن را دریافت کند، همواره این نگرانی را دارد که مبدا ناگهان قیمت جهانی نفت سقوط کند یا یک حادثه سیاسی در گوشه‌ای از جهان رخ دهد و دولت با کسری بودجه مواجه شود و نقد شدن آن صورت وضعیت، ماهها به تعویق افتد و با اساساً اجرا و احداث آن پروژه به حالت تعلیق درآید. به همین ترتیب تمامی مهندسین و کارگران و پیمانکاران فرعی طرف قرارداد با آن شرکت، تحت تأثیر این اتفاق دچار آسیب و بیکاری و قطع درآمد خواهند شد. این مورد یکی از عوامل تهدیدکننده و ناامن کننده فضای کسب و کار مهندسی در ساخت و ساز و به طور کلی صنعت احداث است. در ادامه پنج عامل دیگر برشمرده می‌شود که باعث ناامنی و ناپایداری و ناستواری حوزه ساخت و ساز می‌گردد.

مورد دوم که متأثر از همان مورد اول است، ناامنی شغلی مهندسان و سایر فعالان حوزه ساخت و ساز است و این که در یک فضای اقتصادی متلاطم و سیاست زده، هیچ برنامه زمانی مشخصی برای هیچ پروژه‌ای قابل تعریف نیست و مهندسان، هیچ برنامه کاری و مالی میان مدتی، نمی‌توانند برای زندگی خود داشته باشند. چرا که ممکن است پروژه‌ای در حال حاضر با تمام سرعت در حال کار باشد و نیروها به صورت دو شیفت و سه شیفت در آن مشغول باشند و ناگهان یک انتخاباتی برگزار شود و پس از انتخابات، آن پروژه به طور کل تعطیل گردد.

مورد سوم از موارد تهدیدکننده مهندسان فعال در صنعت احداث، عبارت است از ضعفهای بنیادین سیستم اداری و حقوقی این حوزه. به عنوان مثالی واضح، اینکه هر شخصی بدون داشتن تخصص، می‌تواند به عنوان کارفرمای ساختمانی رأساً اقدام به ساخت ساختمان نماید، بدون اینکه مانع قانونی جدی و الزام‌آوری در مقابلش باشد. اتفاقاً همین کارفرمای سرمایه‌گذار فاقد تخصص، گاه به مهندسی که سالها در این زمینه تحصیل کرده اند، تحکم می‌کند و آنها را وادار به انجام کارهایی برخلاف اصول مهندسی می‌نماید، آن مهندسان نیز گاه به سبب

مضیقۀ مالی و گاه به سبب عدم تجربه یا دانش کافی، تن به خواسته‌های غیرعلمی و غیراصولی آن کارفرما می‌دهند. از سوی دیگر در همین زمینه در شهرداری‌ها با توجه به غلبۀ مدیریت و نگاه سیاسی بر مدیریت تخصصی و نگاه علمی، همواره ضوابط شهرسازی و ساخت‌وساز در تلاطم است و این عدم ثبات، باعث می‌شود از یک سو عدم امنیت شغلی مهندسان و فعالان ساختمانی تشدید گردد و از سوی دیگر بسیاری از اصول فنی و نکات مهندسی در این تلاطمات و تغییرات ضوابط و مقررات پایمال شود. به این ترتیب چهارمین مورد از عوامل تهدیدکنندۀ حرفۀ مهندسی که همان پایمال شدن ناگزیر اصول فنی-مهندسی به دلیل عدم وجود چارچوبهای صحیح و اصولی اداری و حقوقی باشد، نیز برشمرده شد.

به عنوان پنجمین عامل از عوامل مذکور، می‌توان به ضعف نظام آموزش دانشگاهی در رشته‌های مهندسی اشاره نمود. از دلایل عمده این ضعف عدم ارتباط مستقیم نظام آموزشی با صنعت احداث و واقعیتهای جاری بازار کسب‌وکار مهندسی است و همین عدم ارتباط، خود باعث اشکال بزرگ دیگری می‌شود و آن عدم روزآمدی نظام آموزشی و دانشگاهی است. به این ترتیب که در بازار کار حرفۀ مهندسی و در واقعیت جاری این حوزه روندی حاکم است و در دانشگاه مستقل از این روند، یک سناریوی تکراری، هر سال بدون هیچ تغییر مؤثری، برای دانشجویان تکرار می‌گردد تا آن سناریوی تکراری را تا پایان دنبال کنند و آن واحدهای درسی را بگذرانند و مدرک تحصیلی مربوطه را اخذ نمایند. اما پس از فارغ‌التحصیل شدن، آن دانشجو که اکنون عنوان «مهندس» را یدک می‌کشد، باید از صفر شروع کند و نکات لازم برای باقی ماندن و ادامه فعالیت در حرفه را یکی یکی از محیط واقعی بازار کار از افراد مختلف و تجارب روزمره بیاموزد.

ششمین و آخرین عامل تهدیدکنندۀ حرفۀ مهندسی در حوزه ساخت‌وساز عدم وجود عوامل اجرایی آموزش دیده و متخصص است. این عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده است، چرا که تمامی نکات فنی و اصول علمی حرفۀ مهندسی، در نهایت باید به دست استادکاران و کارگران

به اجرا درآیند و زمانی که یک کارگر یا استادکار، از هیچگونه آموزش منظمی بهره نبرده است و از حداقل الزامات و امکانات رفاهی و درمانی و خانوادگی برخوردار نیست و هیچگونه احساس آرامش و امنیت شغلی و مالی و تأمین اجتماعی ندارد، چگونه ممکن است که بر کار خود تمرکز کامل داشته باشد؟ چطور ممکن است از کارگران و استادکارانی بدون آموزش، بدون رفاه، بدون امنیت و بدون تمرکز، توقع داشت کارشان اصولی و دقیق و منطبق بر موازین فنی-مهندسی باشد. حال بهتر قابل درک است که مهندسان با تحمل چه زجری، از چنین نیروی کاری، باید کارهای دقیق و مهندسی تحویل بگیرند.

پس از برشمردن مختصر و فهرست‌وار شش عامل فوق بهتر روشن شد که حرفه مهندسی در چه عرصه متلاطم و ناپایدار و ناستواری ادامه حیات می‌دهد و مهندسان فعال در این حرفه، چگونه و با استفاده از کدامین فنون بندبازی و موج‌سواری، در این عرصه متلاطم و موج مشغول فعالیت و کسب رزق اند. حال در عرصه‌ای چنین ناپایدار و متلاطم، مهندسی که با چنگ و دندان تلاش می‌کند تا بر این بستر ناستوار، سازه‌ای استوار بنا کند، ناگهان به تیر غیب گرفتار می‌شود. تیر غیب به این معنا که مهندس ناگهان از موضعی که هیچ انتظارش را ندارد، ضربه‌ای ناگهانی می‌خورد که آن ضربه، بسته به شدت‌اش، گاه زندگی مهندس را متأثر می‌کند، گاه متلاطم می‌کند و گاه به طور کل متلاشی می‌کند. این ضربه ناگهانی و به عبارت دیگر این تیر غیب، همان پرونده‌های قضائی است که کاملاً ناگهانی و نامنتظره گریبان مهندس را می‌گیرد و او را زمین گیر می‌نماید.

ناآگاهی و بی‌اطلاعی از اصول حقوقی حاکم بر حرفه مهندسی و فعالیت ساختمانی، باعث می‌شود که مهندسان، نادانسته، اعمالی مرتکب شوند که در آینده، ایشان را دچار گرفتاری قضائی و تحمل محکومیت و مجازات نماید. علت این ناآگاهی و بی‌اطلاعی این است که نه در دانشگاه و نه حتی در تشکلهای و سازمان‌های صنفی اعم از نظام مهندسی، مطلقاً هیچگونه آموزش مدون و منظمی پیرامون مسئولیت‌ها و تکالیف و اختیارات و چارچوبهای حقوقی این

حرفه، به مهندسان ارائه نمی‌گردد و از طرف دیگر در محیط کار نیز تا کسی خود دچار یک پرونده و گرفتاری قضائی نشده باشد، بی به وجود چنین دامهایی در مسیر فعالیت حرفه‌ای نخواهد برد. به همین سبب، یک ناآگاهی و عدم اطلاع فراگیری بر عموم مهندسان و فعالان ساخت‌وساز در زمینه دانش حقوقی و مسئولیت‌ها و تکالیف حرفه‌ای، احاطه دارد و همین امر باعث می‌شود که مهندسان گاه و بیگاه از این موضع دچار آسیب و صدمه گردند و از سوی دیگر هیچ آشنائی دقیق و روشنی با چارچوب وظایف و مسئولیت‌ها و اختیارات قانونی خود نداشته باشند و نتوانند آن طور که شایسته است، از عهده مسئولیت‌های حرفه‌ای خود برآیند.

اما دلیل اینکه چرا نکات حقوقی و مسئولیت‌های قانونی، نه در نظام آموزشی و نه در نظام صنفی به مهندسان آموزش داده نمی‌شود، جای تدقیق و بحث دارد. در نظام آموزشی محتواهای درسی عموماً آثار ترجمه شده و یا گردآوری شده از منابع خارجی و عموماً غربی ست و با توجه به این که از آثار پژوهشی و ساختارشکن در نظام آموزش عالی و خصوصاً رشته‌های مهندسی استقبالی نمی‌شود، لذا آموزه‌های حقوقی چندان جایگاهی در آموزه‌های رسمی دانشگاهی پیدا نکرده است. از طرف دیگر در نظام صنفی و حرفه‌ای اگر آموزه‌های حقوقی رشد و گسترش یابد، بسیاری از ساختارهای اداری و حقوقی معیوب حاکم بر حوزه ساخت‌وساز را به چالش خواهد کشید و منافع افراد متنفذ بسیاری را که سالها از محل همین حرفه‌ها، ارتزاق و بلکه اختلاس می‌کرده اند، به خطر خواهد انداخت. لذا مدیران و مسئولان نظام‌های صنفی مهندسان در کمال محافظه‌کاری از ایجاد چنین چالشها و برخوردهایی کاملاً حذر می‌کنند و تمایلی به ارج نهادن به پژوهش‌های انجام شده در این حوزه از خود نشان نمی‌دهند و به طور اولی طبیعی ست که هیچ گونه رغبتی نیز برای ارائه فراگیر و منظم این دست آموزه‌ها به مهندسان، از خود نشان ندهند.

ولیکن مصیبت‌هایی که از محل این ناآگاهی به مهندسان و همکاران گرامی وارد آمده است و زندگی‌هایی که دچار تلاطم و گاه اضمحلال شده اند، بسیار دردناک و تکان دهنده اند.

مهندسی که در اولین روزهای کاری خود دچار یک گرفتاری حقوقی شد و بالاجبار خودروی شخصی خود را فروخت و تاوان داد تا از آن پرونده قضائی خلاص شود. مهندس دیگری که در آستانه ازدواج بود و یک تیر غیب از همین ناحیه به او اصابت نمود و مجبور شد تا مبلغی را که به عنوان سرمایه زندگی برای برگزاری جشن عروسی و رهن خانه، پس انداز کرده بود را تاوان بدهد و ازدواجش را به تأخیر اندازد که به همین دلیل نامزد او پس از مدتی او را رها کرد و با کس دیگری ازدواج نمود. بسیاری از این دست مصائب که به مهندسان جوان و ناآگاه وارد می‌شوند و مهندسان جز کسب آگاهی حقوقی در زمینه حرفه خود، سپر و محافظی نمی‌توانند بیابند. فلذا ملاحظه چنین تراژدی‌هایی پژوهشگران این حوزه را و می‌دارد تا بی هیچ تعلل و تردیدی هر آنچه در این حوزه جست‌اند و دستاوردهایی که از پژوهش‌های خود یافته‌اند را به هر نحو ممکن، در اختیار عموم مهندسان قرار دهند تا از تکرار چنین مصائبی، پیشگیری و از اتلاف بیرحمانه عمر و سرمایه مهندسان بی‌گناه، تا حد امکان جلوگیری شود.

در بخش‌های بعدی این مجلد، به عنوان اولین گام ایمن‌سازی حقوقی مهندسان، خطراتی که پیش روی ایشان، در اولین ماهها و اولین سال‌های پس از اتمام دانشگاه و ورود به بازار کار وجود دارد، تشریح خواهد شد و راهکارها و روش‌های اجتناب از آن خطرات، ارائه خواهد گردید.

بخش ۲

خسارات جانی و مسئولیت سرپرست

کارگاه در قبال حوادث

bar

جمع و تفریق و تحویل حسابهای تنخواه‌گردان^۱ را دارد، به عنوان سرپرست کارگاه، باید حداقل دو برابر حقوق یک مهندس جوان را به او بپردازد. جذابیت دیگری که استفاده از مهندسان جوان و کم تجربه برای کارفرما دارد این است که آنها در مورد مسائل فنی و روشهای اجرایی چندان اظهار نظری نمی‌کنند و اوامر کارفرما را بدون هیچ اعمال نظری انجام می‌دهند.

علیرغم تمامی مضیقه‌های مالی و ناملایماتی که برای یک مهندس جوان به عنوان سرپرست کارگاه وجود دارد، دو خطر همواره در کمین یک سرپرست کارگاه هست. یکی از این دو خطر وقوع حوادث جانی در کارگاه است که می‌تواند سرپرست کارگاه را به چالشی جدی بیندازد. این همان تیر غیبی است که در بخش قبل، شرح آن رفت. بدین شکل که وقتی تمام فکر و ذکر سرپرست کارگاه جوان به دنبال اداره امور کارگاه ساختمانی از یک طرف و رسیدگی به مضیقه‌های مالی زندگی شخصی خود از طرف دیگر است، ناگهان وقوع یک حادثه جانی در کارگاه، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این موضوعی است که مهندس جوان تازه‌کار، هیچ تدارک و تمهیدی برای آن ندارد و مانند تیری از غیب، او را زمین‌گیر خواهد نمود. در ادامه، پرونده‌ای واقعی با جزئیات کامل بازخوانی می‌گردد تا زوایای این موضوع به درستی آشکار گردد. اما خطر دیگری که مهندس سرپرست کارگاه را تهدید می‌کند، مسئولیت‌های مالی است که پس از بازخوانی سه پرونده، در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد.

پرونده اول: سرپرست کارگاه ناکام

در این پرونده شرح حال واقعی یک مهندس جوان بازگو خواهد شد که فقط سه روز در یک کارگاه ساختمانی کار کرد و پس از یک حادثه، حاصل پس انداز تمام عمر خود را باخت. او با کمک پدرش و مبالغی که از کار در دوران دانشجویی پس انداز کرده بود، یک خودروی پژو

۱ تنخواه‌گردان اصطلاحاً به پولی گفته می‌شود که در اختیار سرپرست کارگاه قرار داده می‌شود تا از آن محل، هزینه‌های جاری کارگاه را تأمین نماید و در بازه‌های زمانی معین، صورت دریافت و پرداختهای مربوطه را به کارفرما ارائه نماید تا مجدداً تنخواه‌گردان شارژ شود.

۲۰۶ خریده بود. او چندی بود که مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی عمران اخذ کرده بود. او با هزار امید و آرزو کار خود را به عنوان یک سرپرست کارگاه در یک کارگاه ساختمانی شروع کرد و پس از تنها سه روز کار در آن کارگاه و در پی وقوع حادثه‌ای برای یکی از کارگران، به تیر غیب گرفتار شد و در پایان، پس از چند ساعتی حبس در بازداشتگاه کلانتری و پس از چند روزی رفت و آمد به دادگاه، مجبور شد تنها دارائی‌اش که آن خودروی پژو بود را بفروشد و تاوان دهد تا از مهلکه خلاص شود.

ماجراهای این پرونده در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاد، زمانی که یک مهندس جوان پس از اتمام دوره کارشناسی در رشته مهندسی عمران، وارد بازار کار گردید. مهندس نگون‌بخت این پرونده، بی‌آن که بداند چه عاقبت شومی انتظارش را می‌کشد، مشتاق و پرانگیزه، لابلای آگهی‌های استخدام به دنبال کار در زمینه مهندسی ساختمان می‌گشت. پس از مدتی جستجو و تماس با آگهی‌دهندگان مختلف و کارفرماهای متقاضی استخدام مهندس، و شرکت در چندین جلسه مصاحبه استخدامی، نهایتاً با یک کارفرما به توافق رسید. این کارفرما یکی از سازندگان معتبر و فعال در شمال شهر تهران بود. در جلسه مصاحبه برای استخدام، کارفرما سه ظرف حاوی پودری سفید در برابر مهندس گذاشت و از او خواست تشخیص دهد که در هر ظرف چه مصالحی ریخته شده است؟ مهندس با توجه به تجربیاتی که از اشتغال در دوره دانشجویی اندوخته بود، پس از اندکی دقت و لمس محتویات هر یک از ظروف، به راحتی از عهده این آزمون برآمد و نشان داد که کدام ظرف حاوی گچ و کدام حاوی پودر سنگ و کدامیک حاوی سیمان سفید است. پس از این آزمون اولیه، کارفرما نقشه‌های سازه آن پروژه را در برابر مهندس جوان قرار داد و از او خواست تا مهارت خود را در نقشه‌خوانی نشان دهد و از روی نقشه‌ها برایش توضیح دهد که ستونها و تیرها و سقفها در هر طبقه، چه ابعادی دارد و چه تعداد میلگرد باید داشته باشند و چه نمره‌ای و چه فواصلی و این گونه مشخصات. ساختمان دارای سازه‌ای بتنی با ۱۲ سقف بود و مساحت زیربنای آن حدود ۱۲۰۰۰ متر مربع. مهندس تازه‌کار از

عهده‌آزمون دوم نیز به خوبی برآمد و توانست به درستی از روی نقشه، مشخصات و جزئیات سازه را برای کارفرما توضیح دهد.

کارفرما پس از کسب اطمینان نسبت به حداقل توانائی‌های مورد نیاز برای سرپرستی کارگاه، آن مهندس جوان را به داخل کارگاه برد تا وظایفش را برایش شرح دهد. آن ساختمان که در خیابان پاسداران تهران واقع بود، دارای سازه‌ای بتنی شامل ۲ طبقه زیرزمین و ۱۰ طبقه روی زمین می‌شد. در آن زمان سازه طبقات زیرزمین اجرا شده بود و کارگران آرماتوربند مشغول قالب‌بندی ستونهای طبقه همکف بودند. کارفرما برای مهندس جوان شرح داد که فعلاً کار در مرحله اجرای سازه بتنی است و پیمانکار آرماتوربند و کارگزارش در حال اجرای سازه هستند و وظیفه او حضور در کارگاه از ۸ صبح تا ۵ بعدازظهر و نظارت دقیق بر اجرای سازه و مطابقت مداوم آن با نقشه‌ها است. همچنین اگر پیمانکار به ابزار یا مصالحی نیاز پیدا کرد، از وظایف او ست که ضمن هماهنگی با کارفرما، آن موارد را برای ادامه کار فراهم نماید. پس از شرح وظایف و گفتگو در مورد سایر موارد مرتبط، توافق گردید که مهندس جوان در ازای دریافت ماهانه یک و نیم میلیون تومان به عنوان حقوق، مسئولیت سرپرستی کارگاه را بپذیرد. در پایان آن ملاقات، کارفرما شماره تماس با مهندس ناظر پروژه را نیز به مهندس جوان داد تا در مراحل مربوطه با او تماس بگیرد و در هر مرحله تأییدیه ناظر را اخذ نماید. کارفرما به مهندس جوان متذکر شد که او در کشور امارات و شهر دبی نیز فعالیت ساختمانی دارد و مدام بین تهران و دبی در رفت و آمد است، لذا ممکن است در مواقعی در دسترس نباشد، اما برادر کوچکترش در نبود او، پاسخگو خواهد بود و اگر موقعیتی پیش آمد که نیاز به هماهنگی یا کسب اجازه داشت، آن برادر کوچکتر، انجام خواهد داد. همچنین کارفرما شماره تماس برادر کوچکترش را نیز به مهندس جوان داد و قرار گذاشت که از صبح شنبه در کارگاه حاضر و مشغول کار شود.

بخش ۳

تخلفات مالی و مسئولیت‌های

مالی سرپرست کارگاه

bar

پرونده چهارم: مجازات برای سرپرست کارگاه مملع

با توجه به ملاحظات اجتماعی و حقوقی، تمامی جزئیات این پرونده قابل بازخوانی نیست و صرفاً مروری اجمالی بر این پرونده ارائه می‌گردد تا نکات مهمی که می‌تواند برای مهندسان جوان عبرت‌آموز، مفید و راهگشا باشد، استخراج شود و در اختیار ایشان قرار گیرد. در این پرونده سه شخصیت اصلی ایفای نقش می‌نمایند؛ کارفرما، پیمانکار و سرپرست کارگاه. از این سه شخصیت پیمانکار بیشترین منافع را می‌برد و پس از او منافع نصیب کارفرما می‌شود و سرپرست کارگاه نادان، حداقل منافع ناشی از یک تخلف بزرگ، نصیب می‌گردد. اما در انتهای وقایع پرونده، کسی که بیشترین توان را می‌دهد، همان سرپرست کارگاه نادان است که کمترین منافع را از این تخلف کسب کرده بود. در همین ابتدای مرور پرونده، این سؤال در ذهن پدید می‌آید که چگونه ممکن است کارفرما خود از تخلف مالی در پروژه ساختمانی خودش مُنفع‌گردد؟ در پاسخ لازم است بار دیگر به همان تقسیم‌بندی تخلفات در سطوحی قبل اشاره شود که در یک پروژه شخصی که کارفرما خودش سرمایه‌گذار باشد، چنین تخلفی ناممکن است، مثل اینکه کسی بخواهد از خودش دزدی کند. اما زمانی که سرمایه‌گذار یک نهاد یا سازمان یا اداره عمومی، دولتی، تعاونی و مانند آن است و کارفرما شخصی است که به عنوان نماینده آن سرمایه‌گذار گماشته می‌شود، احتمال چنین سوء استفاده و تخلف‌هایی بوجود می‌آید.

در این پرونده پروژه‌ای نسبتاً بزرگ از طرف یکی از دانشگاه‌های کشور تعریف شد و رئیس آن دانشگاه به عنوان بالاترین مقام اجرائی آن نهاد به عنوان کارفرما مقدمات اجرای آن پروژه را فراهم آورد. بدیهی است که سرمایه‌مورد نیاز برای این پروژه عمرانی و ساختمانی از محل بودجه دانشگاه که خود بخشی از بودجه وزارت علوم بود، تأمین می‌شد. آن رئیس دانشگاه در مقام کارفرما، در اولین گام، یکی از مهندسان جوان اما باتجربه معاونت عمرانی دانشگاه را به

عنوان سرپرست کارگاه^۱ آن پروژه، منصوب نمود. آن مهندس که بسیار فعال و تشنه پیشرفت و ترقی بود، تجربه اجرایی و فنی قابل قبولی برای این سمت داشت. همچنین چند ویژگی شخصیتی دیگر او باعث شد که رئیس دانشگاه برای این انتصاب، هیچ تردیدی به دل راه ندهد. آن مهندس جوان و فعال، فوق‌العاده خوش‌زبان، خوش‌باور، خوش‌بین و مطیع و فرمانبردار بود. پس از انتصاب سرپرست کارگاه، نوبت به انتخاب پیمانکار رسید. پیمانکار نیز به شیوه متعارف و کاملاً طبق ضوابط و مقررات آیین‌نامه مناقصات انتخاب گردید. پس از عقد قرارداد و امضای آن توسط طرفین یعنی رئیس دانشگاه و سرپرست کارگاه از یک طرف به عنوان کارفرما و پیمانکار از طرف دیگر و انجام تشریفات اداری مربوطه، پیمانکار کارگاه را تحویل گرفت و مشغول به کار شد.

آن مهندس جوان که کارمند معاونت عمرانی دانشگاه بود، پس از انتصاب به عنوان سرپرستی کارگاه، از امتیازات و حقوق و مزایای ویژه‌ای برخوردار گشت و از آنجا که تمامی این موهبت‌ها را مدیون رئیس دانشگاه می‌دانست، چشم و گوش بسته، مطیع محض او بود و تمام تلاش خود را می‌کرد تا تمامی اوامر وی، بی‌کم و کاست در پروژه اجرا شود. پیمانکار نیز فردی حرفه‌ای و کاربلد بود و کار را با سرعت قابل قبولی پیش می‌برد. به مرور پیشرفت پروژه و افزایش آیت‌ها و کارهای در جریان، سرپرست کارگاه، تقاضای نیروهای کمکی برای کنترل بخش‌های مختلف پروژه و بررسی و تأیید احجام و مقادیر و صورت‌وضعیتها نمود. این امر مورد موافقت رئیس دانشگاه قرار گرفت و سه نفر مهندس تازه‌کار به صورت قراردادی به عنوان دستیاران سرپرست کارگاه در پروژه مشغول به کار شدند. پروژه در ظاهر با شرایط مطلوبی پیش می‌رفت، اما یک اشکال پنهان و بسیار بزرگ در کار بود. اشکال این بود که هزینه اجرای

۱ البته از دیدگاه سلسله مراتب اداری و بر اساس تقسیمات شرایط عمومی پیمان، جایگاه آن مهندس نماینده کارفرما و ناظر مقیم بود. لکن در آن پروژه حکمی که برای او صادره شده بود با عنوان سرپرست کارگاه بود و در اینجا نیز با توجه به بحث مسئولیتهای مالی سرپرست کارگاه، این پرونده نقل می‌گردد. البته در مجلد مربوطه در آینده مسئولیتهای تک‌تک افراد صاحب مسئولیت در پروژه‌های عمرانی شرح داده خواهد شد.

بخش ۴

قرارداد واگذاری مدرک تمصیلی (رتبه بندی)

بار

که دارنده آن مدرک تحصیلی در آن شرکت فعالیت واقعی داشته باشد و به واسطه رشته تحصیلی و سابقه کاری خود بتواند توان علمی و فنی آن شرکت را ارتقاء بخشد، اما وقتی صرفاً مدرک تحصیلی یک شخص در یک شرکت استفاده می‌شود و صرفاً نام او به واسطه مدارک مربوطه در بین اعضای هیئت مدیره آن شرکت درج می‌گردد و خود آن شخص هیچ حضور واقعی و مؤثری در آن شرکت ندارد، تبعاً این نوعی تخلف و تقلب محسوب می‌گردد. اما در آن قوانین و مصوبات هیچ روش قابل اجرا و کارآمدی برای کشف و مجازات این تخلف و تقلب درج و پیش‌بینی نشده است. فلذا این شیوه به روالی مرسوم و کاملاً رایج تبدیل شده است. اینکه چگونه می‌توان این چرخه معیوب را اصلاح و سازوکاری اصولی و کارا جایگزین آن نمود، نیاز به همفکری و بحث کارشناسی عمیق و البته وجود اراده‌ای مصمم در سازمان‌های مربوطه برای تحول و اصلاح دارد. اما آنچه در اینجا مورد بحث است این که روال جاری و وضعیت موجود، به طور کامل، برای مهندسان خصوصاً مهندسان تازه‌کار تشریح گردد و عاقبت مهندسانی که قربانی این چرخه معیوب گردیدند، بازخوانی و بازگو شود و در ادامه نکات کاربردی و مفید در این زمینه، استخراج و به مهندسان گرامی آموخته شود، تا با کسب این آگاهی‌ها، در این چرخه معیوب گرفتار نشوند و از وارد آمدن زیان‌های مادی و معنوی هنگفت به این قشر فرهیخته که منابع انسانی با ارزش کشور هستند، جلوگیری شود.

برای درک بهتر و عمیق‌تر موضوع، ابتدا پرونده یکی از مهندسانی که قربانی این چرخه معیوب گردید و سالها گرفتار عواقب آزاردهنده یک قرارداد رتبه‌بندی شد و هنوز هم پس از سالها، از شر عوارض آن قرارداد نحس، خلاص نشده است، بازخوانی می‌گردد.

پرونده ششم: بدهی ۷۰۰ میلیونی برای قرارداد ۲ میلیونی

مهندسی جوان در سال ۱۳۸۹ وقتی در صفحه آگهی‌های استخدام روزنامه، به دنبال کار می‌گشت، توجه‌اش به عبارتی جلب می‌شود. این عبارت در آگهی‌های متعدد تکرار شده بود و به همین لحاظ، آن مهندس کنجکاو شد تا بفهمد منظور از این عبارت «رتبه‌بندی» چیست که

در آگهی‌های متعدد تکرار شده است و برای مهندسان در تمامی رشته‌ها و خصوصاً مهندسان عمران پیشنهاد استخدام دارند. آن مهندس عمران جوان، پس از تماس و کسب اطلاعات کامل، آن پیشنهاد رتبه‌بندی را جذاب و وسوسه‌انگیز یافت. به همین دلیل ترغیب شد تا با سایر آگهی‌دهنده‌ها که از عنوان رتبه‌بندی استفاده کرده بودند هم تماس بگیرد تا بفهمد بالاترین قیمت بازار برای مدرک تحصیلی‌اش چقدر است؟ پس از تماس‌های متعدد در آن روز و چند روز پس از آن، عاقبت، آن مهندس عمران جوان، شرکتی را یافت که حاضر بود برای دو سال استفاده از مدرک تحصیلی او مبلغ ۲ میلیون تومان پرداخت نماید و مبلغ این پیشنهاد، از سایر پیشنهادات بیشتر بود، ضمن اینکه آگهی‌دهنده به او قول داده بود، طی یک تعهدنامه محضری اعلام و اقرار نماید که آن مهندس در شرکت، هیچگونه مسئولیتی در هیچ زمینه‌ای نخواهد داشت.

به این ترتیب، مهندس با شخص آگهی‌دهنده قرار گذاشت تا به دفتر شرکت مراجعه نماید و پس از دریافت نقدی مبلغ مورد توافق، مدرک دانشگاهی خود در رشته مهندسی عمران را در اختیار او قرار دهد و سایر مدارک و قرارداد مربوطه را نیز امضاء نماید. دفتری که طرفین در آن حضور یافتند، در خیابان پاسداران تهران واقع بود و مهندس پس از دریافت دو میلیون تومان وجه نقد، صورتجلسات تغییرات شرکت را امضاء نمود. طبق آن صورتجلسات مهندس تأیید می‌کرد که به عضویت هیئت مدیره آن شرکت درآمده است و تنها دو سال عضو آن هیئت مدیره خواهد بود. شخص آگهی‌دهنده پس از اخذ امضای مدارک مربوطه و دریافت مدرک تحصیلی از مهندس، به او اطمینان داد که چند هفته بعد و پس از انجام امور اداری مربوطه، اصل مدرک تحصیلی را به او باز خواهد گرداند و سپس طرفین به اتفاق، به یک دفتر اسناد رسمی مراجعه نمودند و شخص آگهی‌دهنده طی یک نامه رسمی که در آن دفترخانه ثبت گردید اعلام و اقرار نمود که آن مهندس در آن شرکت هیچگونه مسئولیتی در هیچ زمینه‌ای ندارد.

پس از آن جلسه، مهندس به دنبال کار خود رفت و آن مبلغ را به زخم زندگی‌اش زد و آن شخص آگهی دهنده نیز بدقولی نکرد و چند هفته بعد نسخه اصل مدرک تحصیلی او را بازگرداند. پس از گذشت دو سال، مهندس، با اطمینان از صورتجلسات امضاء شده و قول‌وقرارهای رد و بدل شده مطمئن بود که نامش به طور خودکار از آن شرکت خارج شده است و با توجه به این که مبلغ قرارداد را نیز همان ابتدا نقداً دریافت کرده بود، دیگر نیازی نمی‌دید تا به آن شرکت و یا آن شخص آگهی دهنده مجدداً مراجعه نماید و سراغی از قرارداد خود بگیرد. به این ترتیب مهندس به زندگی خود ادامه داد و با توجه به پیشرفت‌های شغلی و حرفه‌ای، دیگر نیازی هم به این احساس نکرد تا مجدداً مدرک تحصیلی خود را در اختیار شرکت دیگری قرار دهد، تا سال ۱۳۹۳. در آن سال بود که آن مهندس، معنی واقعی قرارداد مدرک تحصیلی را درک نمود و معلم روزگار، درسهایی به او داد گرانبه‌تر از هر چیزی که به او در آن روزهای زندگی‌اش که باید در رفت و آمدهایی بیهوده تلف می‌شد.

در سال ۱۳۹۳ آن مهندس که دیگر در حرفه خود مهارتی کسب کرده بود و صاحب جایگاه و درآمد قابل توجه‌ای شده بود، تمام پس‌انداز خود را یک کاسه کرد و اقدام به خرید یک واحد آپارتمان نمود. او آپارتمانی را پسندیده بود و مبلغی از قیمت آپارتمان را پرداخته بود و مبیعه‌نامه امضاء کرده بود. البته برای این که تمام مبلغ آن آپارتمان را بپردازد لازم بود تا از وام کمک هزینه خرید مسکن استفاده نماید. پس از انجام مقدمات اداری و تسلیم مدارک مربوطه به بانک، وقتی موعد دریافت وام فرا رسید، کارمند بانک طبق استعلامات و بررسی‌های به عمل آمده، رو به مهندس گفت که نام او در لیست بدهکاران بدحساب بانکی قرار دارد و امکان ارائه هیچگونه خدمت بانکی به وی وجود ندارد. مهندس که اصلاً انتظار شنیدن چنین جمله‌ای را نداشت، با تعجب، از چندوچون ماجرا پرسید و از کارمند بانک تقاضا نمود تا مدارکش را مجدداً بررسی نماید، چرا که مطمئناً اشتباهی رخ داده است. کارمند بانک پس از مطالعه مجدد مدارک با اطمینان کامل به مهندس گفت که او عضو هیئت مدیره شرکتی است که آن شرکت از یکی

بخش ۵

قرارداد واگذاری پروانه اشتغال مهندسی

«شخص حقوقی»^۱ به حساب می‌آید. به این ترتیب، وقتی یک مهندس پروانه اشتغال خود را در اختیار یک شرکت عضو نظام مهندسی قرار می‌دهد، در واقع پروانه اشتغال یک شخص حقیقی به عضویت یک شخص حقوقی که همان شرکت باشد، در می‌آید. گرچه اصطلاح حقوقی کردن پروانه اشتغال، اصطلاح خیلی دقیقی نیست، لکن بسیار رایج و پرکاربرد است و به عمل واگذار نمودن پروانه اشتغال از طرف یک مهندس به یک شرکت اطلاق می‌گردد. علاوه بر اصطلاح حقوقی کردن پروانه، اصطلاحاتی از قبیل اجاره پروانه اشتغال و یا فروش پروانه اشتغال و یا فروش سهمیه نظارت و طراحی نیز از سوی برخی افراد مطرح می‌گردد که منظور از آنها نیز همین واگذار کردن پروانه اشتغال به یک شرکت عضو نظام مهندسی است. لکن این اصطلاحات اخیر، کمتر رایج است.

شباهتها و تفاوت‌های واگذاری پروانه اشتغال و واگذاری مدرک تحصیلی

با توجه به اینکه در بخش قبل، نکات و عواقب آگهی‌های رتبه‌بندی و واگذاری مدرک تحصیلی به همراه بازخوانی پرونده‌های مربوطه، مورد مطالعه و ارائه طریق، قرار گرفت، مقایسه واگذاری پروانه اشتغال با آن، باعث درک عمیق‌تر موضوع پیامدها و نکات واگذاری پروانه اشتغال مهندسی خواهد شد. در بیان تفاوتها و شباهتهای این دو نوع واگذاری، ابتدا به شباهتها پرداخته می‌شود. مهمترین شباهت واگذاری پروانه اشتغال با واگذاری مدرک تحصیلی این است که در این زمینه نیز مبنای کار، قوانین رسمی کشور و متون حقوقی مربوطه است. مبنای حقوقی و قانونی واگذاری پروانه اشتغال مهندسی، از طرف مهندسان و جذب آن پروانه و پرداخت مبالغی پول از سوی آن شرکتها به مهندسان بابت در اختیار گرفتن آن پروانه اشتغال، متون حقوقی و قانونی ذیل است:

۱ البته علاوه بر شرکتها که انواع آن در قانون تجارت تعریف شده است، سازمانها، ارگانها، نهادها، شهرداری‌ها و مانند آن شخص حقوقی محسوب می‌شوند. لکن موضوع بحث این بخش و منظور از شخص حقوقی همان شرکت‌های عضو نظام مهندسی هستند.

- قانون نظام مهندسی ساختمان، مصوب مجلس در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۲
- آیین‌نامه اجرائی قانون فوق، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۷
- آیین‌نامه اجرائی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ

۱۳۸۳/۴/۱۷

- همچنین مبحث دوم مقررات ملی ساختمان و سایر بخشنامه‌های مربوطه اما همانطور که در مورد واگذاری مدرک تحصیلی نیز ذکر گردید، اگرچه این روال بر مبنای قانون و مقررات رسمی کشور شکل گرفته است اما به همان صورت، در مورد پروانه اشتغال مهندسی نیز در عمل، فقط به ظاهر آن قانون یعنی در اختیار قراردادن پروانه اشتغال عمل می‌شود و به مقصود قانون که همکاری واقعی آن مهندسان با شرکتهای متبوعه بوده است، عمدتاً عمل نمی‌شود. همانطور که در مورد آگهی‌های رتبه‌بندی نیز ذکر شد، از این دیدگاه، واگذاری پروانه اشتغال مهندسی، بدون همکاری واقعی مهندس با شرکت، بر خلاف غرض و مقصود اصلی قانونگذار است. لکن با توجه به غیر اقتصادی بودن و عدم انطباق این رویه‌های قانونی با بازار خدمات مهندسی و عدم تعبیه ابزارهای دقیق کنترلی برای کشف این عدم همکاری و حضور واقعی مهندس در شرکت، عملاً واگذاری پروانه اشتغال توسط مهندسان و جذب آن پروانه‌های اشتغال توسط شرکتهای و گردش مالی مبالغه‌آمیز در این بازار، سالهاست که در جریان است. البته امید است این قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها با بذل توجه و اراده‌ای مصمم برای رفع نقایص از سوی مسئولان امر و با جلب نظر و همفکری اهل فن و مهندسان فعال در این زمینه، اصلاح، ارتقاء و تعالی یابد. لکن تا قبل از آن اصلاحات در ادامه مطلب، همین روال جاری، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا مهندسان گرامی با مطالعه و کسب آگاهی، در برابر صدمات احتمالی ایمن گردند.
- تشابه دیگر، آن که مطابق اشارات و توضیحات بخش قبل در مورد آگهی‌های رتبه‌بندی، در قراردادهای واگذاری پروانه اشتغال نظام مهندسی نیز از پروانه مهندس در یک «شرکت»

استفاده می‌شود. به بیان ملموس‌تر یعنی مهندسی که پروانه‌اش را حقوقی می‌کند، در واقع به عضویت یک شرکت در می‌آید و بسته به سِمَتی که در آن شرکت دارد، مسئولیت‌هایی متوجه او خواهد شد. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد، مهمترین مسئولیت‌ها در یک شرکت از دید قانون تجارت، مسئولیت مدیرعامل است که در واقع نماینده اصلی شرکت محسوب می‌شود. لذا مهندسی که پروانه اشتغال خود را به شرکتی واگذار می‌کند، باید مدنظر داشته باشد که به عضویت یک شرکت درآمده است و با توجه به سِمَت و جایگاهی که در آن شرکت برای او تعریف می‌شود، دارای مسئولیت و به همان نسبت در قبال فعالیت‌های شرکت، در برابر قانون پاسخگو خواهد بود. از همین نکته مهم می‌توان به این نتیجه رسید که هر گونه تضمین شرکت، اعم از اینکه در قرارداد درج شود و یا در دفترخانه اسناد رسمی ثبت گردد، اگر با مواد قانون تجارت و مسئولیت‌های تعریف شده برای اعضای شرکتها مغایرت داشته باشد، فاقد اعتبار و بلاوجه خواهد بود.

اما موضوع واگذاری پروانه اشتغال مهندسی، با واگذاری مدرک تحصیلی تفاوت‌های عمده‌ای دارد. اولین تفاوت، اینکه شرکت‌های عضو نظام مهندسی معمولاً فقط در یک استان فعال هستند و امکان فعالیت در سراسر کشور را ندارند. در واقع همان‌طور که سازمان نظام مهندسی هر استان برای مهندسان همان استان پروانه اشتغال مهندسی صادر می‌کند و مهندسان آن استان در شرایط معمول، فقط در محدوده استانی که پروانه اشتغال‌شان صادر شده است، قادر به فعالیت و ارائه خدمات مهندسی هستند، برای شرکت‌های عضو نظام مهندسی هم از طریق نظام مهندسی هر استان پروانه اشتغال صادر می‌شود و شرکت‌های عضو نظام مهندسی در هر استان، صرفاً محدود به فعالیت و ارائه خدمات مهندسی در همان استان هستند.

تفاوت دیگر و بسیار مهم قرارداد واگذاری پروانه اشتغال با واگذاری مدرک تحصیلی، احراز هویت مهندس در سازمان نظام مهندسی است. چنانکه در بخش قبل توضیح داده شد، هیچ‌گونه احراز هویتی در سازمان ثبت شرکت‌ها نسبت به ورود و خروج اعضای شرکتها انجام

نمی‌شود، همچنین در سامانه ساجات^۱ و نظام فنی اجرائی کشور نیز هیچ گونه احراز هویتی انجام نمی‌شود که آیا مدرک تحصیلی ارائه شده از طرف یک شرکت با اطلاع مهندس صاحب آن، به سامانه ارائه می‌شود و یا آن مدرک ربوده شده است و یا آن مدرک را از جایی پیدا کرده اند؟ در آن سامانه به صرف اینکه یک مدرک تحصیلی بارگذاری شود و بعداً نسخه اصل آن ارائه گردد و چنانچه شرایط آن مدرک تحصیلی با ضوابط مربوطه سازگار باشد، آن مدرک تحصیلی مورد قبول قرار می‌گیرد و آن رتبه به شرکت اختصاص می‌یابد. اما در مورد شرکت‌های عضو نظام مهندسی، وضع متفاوت است و شرایط بسیار بسامان‌تر و امن‌تر است. در مورد شرکت‌های عضو نظام مهندسی، وقتی پروانه اشتغال یک مهندس از طرف شرکت به سازمان نظام مهندسی، ارائه می‌گردد، پس از بررسی و تأیید، برای اینکه در سامانه نظام مهندسی ثبت گردد و ظرفیت و پایه مهندس به ظرفیت و پایه شرکت اضافه شود، از طرف نظام مهندسی به صاحب شرکت اعلام می‌گردد که در زمان خاصی، نماینده شرکت به همراه مهندس صاحب آن پروانه اشتغال، در سازمان نظام مهندسی حاضر شوند و آن مهندس توسط کارشناس سازمان نظام مهندسی، احراز هویت گردد و سپس فرم خاصی را مهر و امضاء نماید. نام فرمی که مهندس در نظام مهندسی مهر و امضاء می‌کند فرم «خوداظهاری» است. بر همین اساس، روزی که سازمان نظام مهندسی تعیین می‌کند تا نماینده شرکت به همراه مهندس در آن سازمان حضور یابند، را روز خوداظهاری گویند. روز خوداظهاری در قراردادهای واگذاری پروانه اشتغال، اهمیت زیادی دارد که در ادامه مطلب به آن پرداخته خواهد شد. مهندسی که قصد واگذاری پروانه اشتغال خود به شرکتی را دارد، با مهر و امضای فرم خوداظهاری، تأیید می‌نماید که به عضویت شرکت درآمده و پروانه اشتغال خود را به آن شرکت واگذار کرده است. از جمله

۱ در سال ۱۳۸۸، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سامانه ای با عنوان «سامانه جامع هوشمند تشخیص صلاحیت عوامل نظام فنی و اجرایی» را تاسیس و راه‌اندازی نمود که به اختصار ساجات نامیده می‌شود. هدف اصلی این سامانه، رتبه‌بندی شرکت‌ها ست.

محاسن دیگر احراز هویت مهندسین توسط سازمان نظام مهندسی، این است که مهندس باید با خط خود در فرم بنویسد که در آن شرکت چه سمتی را دارا ست. این موضوع بسیار مهم است و اگر مهندسی قصد واگذاری پروانه اشتغال خود به یک شرکت عضو نظام مهندسی را داشته باشد، باید به این قسمت فرم توجه دقیقی داشته باشد. در موارد بسیار نادری دیده شده است که برخی مهندسان - از آن دست مهندسانی که هر برگیه‌ای را چشم بسته و بدون خواندن، امضاء می‌کنند- با بی‌دقتی در همین مرحله، کار دست خود داده اند. در این موارد معدود، مهندس بی‌دقت، طی مکالمات و توافقات اولیه با شرکت قبول کرده است که به عنوان عضو هیئت مدیره وارد شرکت شود و پروانه‌اش با این عنوان به نظام مهندسی معرفی گردد اما در زمان امضای قرارداد و خوداظهاری، نماینده شرکت عنوان مدیرعامل را در قرارداد و فرم خوداظهاری نوشته است و مهندس هم نخوانده مهر و امضاء کرده است. چنین شرکت‌هایی البته بسیار معدود و انگشت شمارند، اما احتمال چنین اتفاقاتی به هر حال وجود دارد و مهندسان لازم است که هر متنی را قبل از مهر و امضاء با دقت بخوانند و نسبت به محتوای آن و بار حقوقی آن، آگاهی کامل کسب نمایند. عاقبت مهندسی که چنین اشتباهی را مرتکب شد، در ادامه مطالب بررسی خواهد گردید، لکن در مورد نکات مهم روز خوداظهاری، باید توجه کرد که مهندس، فرم خود اظهاری را که شامل مشخصات مهندس و شرکت و سمت مهندس در شرکت است را شخصاً پر کند و سپس مهر و امضاء نماید و اگر هم نماینده شرکت قبلاً آن فرم را پر کرده بود، مهندس محتویات آن را با توجه کافی بخواند و دقت کند که سمت اعلام شده در فرم، با توافقات شفاهی انطباق داشته باشد.

تفاوت دیگری که واگذاری پروانه اشتغال نظام مهندسی با واگذاری مدرک تحصیلی دارد این است که یک شرکت عضو نظام مهندسی، بدون اطلاع مهندس، می‌تواند حداکثر ۳ سال از پروانه اشتغال او استفاده نماید، اما در مورد رتبه‌بندی شرکتها، موضوع متفاوت است و ممکن است یک شرکت بدون اینکه مهندس اطلاع داشته باشد، سالها از مدرک تحصیلی او استفاده